



سرعت گرفت. کسانی که آن دوره‌ی خاص را از نزدیک درک و مشاهده کرده باشند زیاد نیستند و متأسفانه باید گفت به خاطر کم‌کاری‌ها در زمینه‌ی آگاهی و شناخت نسل جوان نسبت به تاریخ معاصر کشور، علی‌رغم آنکه زمان زیادی از آن دوران نگذشته، این نسل آن چنان که باید و شاید اطلاع کافی و عمیقی در این مورد ندارد. بسیاری از ابهامات و شبهات و طمع دشمن به تأثیر بر جامعه، ناشی از همین ضعف است؛ موضوعی که یکی از دغدغه‌های جدی رهبر انقلاب نیز هست:

«... یکی از راه‌های فریب و اغواگری، تحریف تاریخ است که امروز متأسفانه این کار به وفور صورت می‌گیرد... من از اینکه میبینم جوانان ما از این قضایای بی‌اطلاعند، رنج میبرم.»

ادامه در صفحه ۳

یک تشبیه تاریخی بجا

رهبر انقلاب اسلامی، در بخشی از خطبه‌ی دوم نماز جمعه‌ی تاریخی اخیر تهران که به زبان عربی ایراد شد، فرمودند: «مردم مقاوم لبنان و فلسطین! مبارزان شجاع و مردم صبور و قدرشناس! این شهادتها، این خونهای بر زمین ریخته، نهضت شما را سست نمیکند، بلکه [استوارتر میکنند. در ایران اسلامی، در حدود سه ماه تابستان یک سال (سال ۱۳۶۰ هجری شمسی)، چند ده شخصیت برجسته و ممتاز ما ترور شدند که یکی از آنها شخصیت بزرگی مثل سید محمد بهشتی بود، یکی رئیس جمهوری مثل رجائی و نخست‌وزیری مثل باهنر بود، علمائی از قبیل آیت‌الله مدنی و قدوسی و هاشمی نژاد و امثال اینها بودند. اینها هر کدام در سطح ملی یا محلی از ستونهای انقلاب به شمار می‌آمدند و فقدانشان چیز آسانی نبود؛ ولی انقلاب متوقف نشد، عقب‌نشینی نکرد، بلکه

برخی از فرماندهان ارشد مقاومت لبنان و رهبران این جنبش مقاومت، از جمله عالم مجاهد، جناب سید حسن نصرالله، در حملات تروریستی رژیم صهیونیستی به شهادت رسیدند. شهادت این عزیزان، برخی از دوستداران جبهه‌ی مقاومت و حامیان و همراهان آن را دربارهی آینده و سرنوشت این جبهه دچار نگرانی و بعضاً تردیدهایی کرد. در کنار این نگرانی‌های قابل درک، رژیم صهیونیستی و حامیان غربی آن نیز عملیات روانی سنگینی را در همین زمینه به راه انداختند؛ عملیاتی که هدف اصلی آن ایجاد رعب و وحشت، تردید، تزلزل، و در نتیجه تسلیم در برابر این رژیم جنایت‌کار بود. شایعه‌پراکنی و ساختن و ترویج روایت‌های جعلی از صحنه‌ی جنگ، از جمله‌ی ابزارهای دشمن در این زمینه بود و همچنان نیز هست.

گزارش
هفته
گزارش

معرفی کتاب "پاییز آمد" که تقریظ رهبر انقلاب بر آن منتشر خواهد شد

یک عاشقانه ی دلنشین

در سالگرد سفر رهبر معظم انقلاب به استان زنجان، «شانزدهمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت» همراه با انتشار تقریظ حضرت آیت الله خامنه ای بر کتاب «پاییز آمد» توسط مؤسسه ی پژوهشی - فرهنگی انقلاب اسلامی در مصلى حضرت خاتم الانبیاء زنجان برگزار خواهد شد. «پاییز آمد» روایت زندگی خانم فخرالسادات موسوی و سردار شهید احمد یوسفی، فرمانده واحد مهندسی، رزمی سپاه ناحیه زنجان است که در ۲۴ صفحه به قلم خانم گلستان جعفریان نوشته و توسط انتشارات سوره مهر چاپ و منتشر شده است. آنچه در پی می آید یادداشتی است در معرفی اجمالی این کتاب.



شخصیت فخرالسادات خانم را برای مخاطب پاییز آمد تکمیل می کند؛ شمایل زنی فعال، دغدغه مند، انقلابی و البته مادر که به خوبی می تواند میان مسئولیت های اجتماعی یک زن مسلمان و وظایف همسری و مادری اش پیوند برقرار کند و با به کمال رساندن هر دو نقش، به یک نمونه از «الگوی سوّم زن» تبدیل شود. از این منظر اگر نگاه کنیم، پاییز آمد علاوه بر تمام جنبه های مثبتش، می تواند یک کتاب راهبردی هم باشد؛ کتابی که با استفاده از معجزه ی ادبیات، یکی از عمیق ترین مفاهیم مدنظر رهبر انقلاب را در دل زندگی یک زوج عاشق و مجاهد تصویر می کند تا از میان کلمات کتاب، طرحی از زندگی یک زن الگو به چشم بیاید. شاید از این جهت، اهمیت یادداشت رهبر انقلاب بر این کتاب هم خود را بیشتر نمایان کند؛ آیت الله خامنه ای کتابی را تمجید کرده اند که اگرچه اثری هنرمندانه، خواندنی و خوش مضمون است، اما ارزش های آن فقط محدود به این موارد نیست و جنبه های محتوایی و گفتمانی عمیقی از دل همین زندگی نامه حاصل می شود.

پاییز آمد، مستقل از همه ی ارزش هایی که حاصل برداختن به زندگی یک شهید است، از منظر تکنیکی هم یک کتاب ارزنده به شمار می آید؛ یک روایت روان و خوش خوان از زندگی عاشقانه ی زن و مردی که زندگی کردن بلد بودند و خوب می دانستند

فخرالسادات خانم آشنا شد؛ آشنایی شان خیلی زود به خواستگاری منجر شد و موافقت پُرماجری پدر دختر خانم و سفر این دو جوان به تهران برای اینکه آقای هاشمی رفسنجانی خطبه ی عقدشان را بخواند و بعد، آغاز یک سفر عاشقانه که در پاییز آمد روایت می شود.

مهم ترین ویژگی کتاب، روایت ساده، بی پیرایه و دلنشین آن از «عشق» است؛ عشقی به معنای زمینی کلمه که مقدمه ی یک عشق آسمانی می شود. احمد آقا و فخرالسادات خانم عمیقاً عاشق همدیگرند و این عشق را بدون واهمه بُروز می دهند؛ آن ها در خرج کردن محبت خسیس نیستند، «دوست دارم» را بارها و بارها به زبان می آورند و در عمل نشان می دهند، می خندند، شوخی می کنند، شیطنت دارند و «زندگی» بلدند؛ و با وجود همه ی این ها است که تن می دهند به مجاهدت، می زنند به میدان جنگ و بانوی قصه هم مسیر می شود با همسرش و او را مشایعت می کند تا در باغ شهادت. احتمالاً شیرینی این زندگی عاشقانه آن قدر در کام فخرالسادات خانم پایدار بوده که سه دهه بعد از شهادت همسرش، آن عاشقانه ها را به دست راوی پاییز آمد بسپرد

تا یک اثر ادبی متفاوت و

محترم به کتابخانه ی «ادبیات پایداری» کشور اضافه شود.

پاییز آمد، در روایت یک عشق پاک، موفق است و بدون افتادن به

دام بزرگ نمایشی یا تأکیدات اغراق شده بر جنبه های عاشقانه ی

این زندگی، توانسته عشق را با نجابت و شیرینی توأمان روایت کند.

گلستان جعفریان که پیش از این، در کتاب هایی

همچون همه ی سیزده سالگی و ام

روزهای بی آینه، مهارت بالای خود در خلق آثاری روان و

خواندنی را به تصویر کشیده بود، در پاییز آمد هم به خوبی از پس روایت

زندگی پُرماجرا و پُرثمر خانم موسوی و شهید یوسفی برآمده.

کتاب پُر است از توصیفات لطیف و خرده روایت هایی

دلنشین که در کنار هم، پازل

شاید از دور شبیه هم به نظر برسند؛ انسان هایی آرمان خواه و میهن دوست که در راه یک ارزش بزرگ، زندگی خودشان را وقف می کنند و به افتخار «شهادت در مسیر حق» نائل می شوند. نمای باز زندگی همه ی این آدم های یکسان به نظر می رسد اما از نزدیک که نگاه کنیم، هر شهید یک قصه است؛ یک داستان شنیدنی و یک کتاب خواندنی که فقط یک نسخه از آن چاپ شده و دیگر هیچ وقت تجدید چاپ نمی شود. زندگی هر شهید، از جهاتی شبیه دیگر شهدا و از جهاتی بسیار بیشتر، منحصر به فرد است؛ جهان هر شهید را مجموعه ای از باورها، دیدگاه ها و کنش ها می سازد که خاص خود او و خانواده اش است. ثبت و روایت این زندگی های متمایز و متنوع که در نهایت مثل رودخانه هایی خروشان به یک دریا می ریزند، کاری است که «ادبیات» از پس آن برمی آید و می تواند هر کدام از این زندگی ها و این کتاب های نایاب را در دسترس ما قرار دهد.

زندگی هر شهید، خاص خودش است، با ماجراهایی که مسیر او را به سمت شهادت هموار می کند. شاید اصلاً یکی از ویژگی های برجسته ی نهضت امام خمینی (قدس سره) همین بود که سربازانش نه آدم هایی هم شکل و قالب زده شده، بلکه انسان هایی صاحب اندیشه، متکثرو متمایز بودند؛ مردان و زنانی که هر یک به سبک خود زندگی کردند، اما مثل هم به سعادت شهادت رسیدند؛ آدم هایی که هم عاقبت بودند، اما هر کدام از مسیری منحصر به فرد به این عاقبت رسیدند. یکی از این انسان ها سردار شهید احمد یوسفی از فرماندهان سپاه ناحیه ی زنجان است که سال ۱۳۶۵ به شهادت رسید اما پیش از رسیدن به این جایگاه آسمانی، یک زندگی عاشقانه را با همسرش از سر گذراند؛ شیرین و پُرماجرا، درست مثل قصه های افسانه ای و شبیه داستان های عاشقانه ی کهن فارسی. تو گوویی یک طرف ماجرا فرهاد کوه کن است و یک طرف شیرین افسانه ای؛ اما هر دو مال همین سی چهل سال پیش، بیخ گوش خودمان، در تاریخ معاصر همین آب و خاک.

پاییز آمد راوی یک چنین زندگی ای است؛ ساده و بی آرایش و عاشقانه. زندگی بانو فخرالسادات موسوی و سردار شهید احمد یوسفی را خانم گلستان جعفریان، با کلمه های دلکش و فکر شده اش، در پاییز آمد قاب گرفته. ماجرا از تکاپوی فخرالسادات خانم در روزهای نخست پس از پیروزی انقلاب آغاز می شود؛ روزهایی که نهضت به حضور همه ی دل سپردگان خود در صحنه نیاز داشت و در این «حضور» تفاوتی میان زن و مرد نبود. بنابراین، زنان هم باید به میدان می آمدند، کاری را دست می گرفتند و حتی در صورت نیاز، آموزش رزم می دیدند. در میان همین دوندگی های اوایل انقلاب بود که احمد آقا، در سپاه، با



میان عشق و آرمان، نه تزاحم، بلکه رابطه ی تکاملی برقرار است؛ دو ستاره که از مسیر یک عشق زمینی عمیق و رشک برانگیز، راهی به سوی آسمان پیدا کردند.



نجات و فلاح باید هدف زندگی باشد

خیلی چیزها را انسان میداند، اما باید مرتب به انسان یادآوری بشود. توجه کنیم که ما کجا هستیم، چه کار داریم میکنیم، هدف چیست؟ هدف، این یک شاهی صنار دنیا نیست که ما به خاطر آن، وظیفه‌ی بزرگ را فراموش کنیم و اهداف عالی را زیر پا بگذاریم. هدف، مدح و تمجید این و آن نیست... اینها که برای بشر کوچک است. هدف، فلاح است؛ نجات است - «قد افلح المؤمنون»^(۱) - باید آن را هدف گرفت. باید به فکر زندگی حقیقی بود، که این زندگی حقیقی شروع خواهد شد... هدف این است که آنجا را آباد کنیم؛ همه‌ی اینها مقدمات است.

۱۳۸۹/۰۱/۱۶ ●

۱. سوره‌ی مؤمنون، آیه ۱

حدیث زندگی



کمک به برپایی حکومت حق، مسئولیت مردم است

در این خطبه‌ی معروف صفین، که مطالب زیادی در باب حکومت در این خطبه وجود دارد، امیرالمؤمنین علیه السلام یک عبارتی دارند که به نظر من خیلی مهم است: وَلَکِن مِّنْ وَاجِبٍ حُقُوقِ اللَّهِ شُبْحَانَهُ عَلَىٰ عِبَادِهِ النَّصِيحَةُ بِمَبْلَغِ جُهِدِهِمْ وَ التَّعَاوُنُ عَلَىٰ إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ؛^(۱) جزو مهم‌ترین و لازم‌ترین حقوق پروردگار این است که: التَّعَاوُنُ عَلَىٰ إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ؛ باید همکاری کنند تا حق در جامعه اقامه بشود، برپا بشود؛ یعنی این مسئولیت مردم است دیگر؛ مردم مسئولند، بایستی کمک کنند که در کشور، حکومت حق برپا

بشود، حکومت خدا برپا شود. ● ۱۴۰۰/۳/۱۴

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶

احکام



خمس جهیزیه بلا استفاده

سؤال: شخصی برای دخترش که در شرف ازدواج است جهیزیه تهیه می‌کند اما به دلائلی مانند فوت دختر یا طلاق و... مورد استفاده قرار نگرفته و نزد او باقی مانده است؛ آیا باید خمس آن را بدهد یا آنکه مئونه محسوب شده و خمس ندارد؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب، مشمول خمس می‌گردد.

خطبه‌ها

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

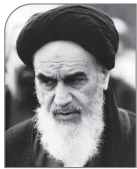
@khattathezollah | @Khatt_khamenei

چاپ و توزیع به همت نیروهای مؤمن و انقلابی

KHAMENEI.IR



تکالیف الهی، برای مالطف است



ما تا در این حیات دنیوی هستیم، تا در اینجا هستیم، ما مأموریتها از طرف خدای تبارک و تعالی داریم و باید قیام کنیم به این مأموریتها. باید غفلت نکنیم از تکالیف الهیه. تمام تکالیف الهیه الطافی است الهی و ما خیال می‌کنیم تکالیفی است. همه اش الطاف است: چه تکالیف فردی [که] برای هر نفری هست... و چه تکالیف اجتماعی که ما مکلف هستیم؛ در اجتماع تکالیفی داریم و باید به آن تکالیف عمل کنیم برای تنظیم این اجتماع. ● امام خمینی علیه السلام | ۱۳۵۶/۸/۱۰

خطبه‌های انقلاب



نماز جمعه، نیروبخش و تبیین‌گر ۸ سال دفاع مقدس ما بود

هشت سال دفاع مقدس ما از نماز جمعه‌ها نیرو گرفت و در نماز جمعه‌ها تبیین شد. سخت‌ترین دوران این انقلاب - یعنی سالهای پنجاه و نه و شصت - که توطئه عظیم سیاسی علیه امام و انقلاب و کشور طراحی و اجرا میشد، این توطئه در نماز جمعه‌ها شکست خورد. مردم در طول این مدت، در نماز جمعه، از زبان یک امام عادل و یک نفس‌امین - که همین ائمه جمعه محترمی هستند که در تهران و شهرستانها با مردم حرف می‌زنند - نسبت به مسائل کشورشان و مسائل جهان آگاه شدند و اطلاعاتشان به روز شد. در هیچ جای دنیا چنین چیزی وجود ندارد. این از برکات انقلاب بود.

● بیانات در خطبه‌های نماز جمعه | ۱۳۷۷/۸/۸

قاب ماندگار



گوشه‌هایی از تصاویر ارسال شده مردم از حاشیه‌های نماز جمعه تاریخی ۱۳ مهر رهبر انقلاب به پوشش # جمعه - نصر

در این ایام



حاج آقا مصطفی از لحاظ استعداد علمی کم نظیر بود

مرحوم حاج آقا مصطفی [خمینی] انسان برجسته‌ای بود. البته من این سالهای آخری که ایشان رفتند اول به ترکیه و بعد نجف، خب ایشان را دیگر ندیده بودیم؛ از دور از بعضی از احوال ایشان مطلع بودیم؛ لکن وقتی ایشان قم بود و ما هم قم بودیم، کاملاً نزدیک من ایشان را می‌شناختم. اولاً ایشان از لحاظ ذهن و استعداد علمی، جزو افراد کم نظیر بود؛ یعنی ایشان واقعاً [دارای] یک استعداد برتر و یک ذهن وقاد بود. ایشان درس هم خوب خوانده بود؛ با اینکه حالا ایشان اهل گنده و مانند اینها هم بود. ● ۱۳۹۶/۷/۳

● به مناسبت آبان، شهادت سید مصطفی خمینی

با این ستاره‌ها...



امام جمعه معتبر کرمانشاه



یک نکته [در زمینه نماز جمعه] دشمنی‌هایی است که از اول انقلاب تا امروز با نماز جمعه شده است. هر هفته تبلیغات سنگین جحیمی از طرف دشمنان نسبت به نماز جمعه صورت می‌گرفت... آنها به تبلیغات هم اکتفا نکردند و نماز جمعه را مورد تهاجم خونین قرار دادند. پنج امام جمعه معتبر معروف را به شهادت رساندند: مرحوم آیه‌الله قاضی، مرحوم آیه‌الله مدنی، مرحوم آیه‌الله صدوقی، مرحوم آیه‌الله دستغیب، مرحوم آیه‌الله اشرفی. پنج عالم مجتهد پیرمرد با تقوای پرهیزکار پارسا و پاکدامن را که هر هفته مردم با دل و جان پشت سر آنها می‌ایستادند و به آنها اقتدا میکردند، جلو چشم همین مردم در نماز جمعه به شهادت رساندند. ● ۱۳۷۷/۸/۸

● این شماره خط حزب الله تقدیم می‌شود به شهید محراب، آیت‌الله عطاءالله اشرفی اصفهانی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۲۳ | محل شهادت: مسجد جامع کرمانشاه | نحوه شهادت: ترور توسط منافقین در مراسم نماز جمعه | مزار: تخت فولاد اصفهان